

درس نامه توپ برای شب امتحان

پیامدهای کنش

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد که شامل پیامدهای ارادی و پیامدهای غیرارادی می‌باشند. برای درک تفاوت این پیامدها از یکدیگر، به اطلاعات جدول زیر توجه کنید:

۱- پیامدهایی که به اراده انسان‌ها؛ یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر وابسته است.	پیامدهای ارادی
۲- این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری آن‌ها را انجام دهد.	
۳- پیامدهای ارادی کنش، احتمالی‌اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند.	
۱- پیامدهایی که به اراده انسان‌ها بستگی ندارند.	پیامدهای غیرارادی
۲- این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آن‌ها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی کنش‌اند.	
۳- پیامدهای غیرارادی کنش قطعی‌اند؛ یعنی حتماً انجام می‌شوند.	

مثال (پیامدهای ارادی)

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند و در نتیجه آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می‌دهد، ثانیاً استاد متناسب با تلاش او به او نمره می‌دهد. پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است که اولی به اراده خود کنشگر و دومی به اراده دیگری وابسته است.

مثال (پیامدهای غیرارادی)

۱) وقتی شما پنجره‌ها را باز می‌کنید، هوای کلاس عوض می‌شود.
۲) فردی که به صورت مداوم وضو می‌گیرد، دست و صورت او پاکیزه می‌شود.
نکته معمولاً انسان‌ها کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.

درس ۲: پدیده‌های اجتماعی

انواع کنش
کنش اجتماعی

شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی
معنادار بودن پدیده‌های اجتماعی

مفاهیم کلیدی

کنش فردی / کنش اجتماعی / مفهوم دیگران / پدیده‌های اجتماعی / هنجار اجتماعی / ارزش‌های اجتماعی / پدیده‌های طبیعی

انواع کنش

کنش‌ها انواعی دارند. برخی از آن‌ها فردی و برخی اجتماعی‌اند.

کنش اجتماعی

کنش اجتماعی، نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود.

در کنش اجتماعی اراده و آگاهی کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آن‌ها است.

نکته کنش اجتماعی تنها در حضور دیگران صورت نمی‌گیرد. (رعایت قوانین، راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین‌های مخفی، کنش اجتماعی است.)

درس ۱: کنش‌های ما

کنش / کنشگر
ویژگی‌های کنش
پیامدهای کنش

مفاهیم کلیدی

کنش / کنشگر / آگاهانه بودن کنش / ارادی بودن کنش / هدف‌دار بودن کنش / معنادار بودن کنش / پیامدهای ارادی کنش / پیامدهای غیرارادی کنش

کنش / کنشگر

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام‌دهنده آن «کنشگر» می‌گویند. بر این اساس، فعالیت‌هایی مانند نماز خواندن، مطالعه و ورزش کردن که با اراده و آگاهی ما انسان‌ها انجام می‌شوند، کنش محسوب می‌شوند، اما ضربان قلب و گردش خون در بدن، کنش محسوب نمی‌شوند.

ویژگی‌های کنش

کنش ما انسان‌ها، دارای ویژگی‌هایی هستند که در جدول زیر ملاحظه می‌کنید.

ویژگی‌های کنش	تعریف	مثال
۱- آگاهانه بودن	کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود.	- سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آن‌ها از دست بدهیم، نمی‌توانیم صحبت کنیم.
۲- ارادی بودن	کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس ابتدا استراحت کنید و بعد برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس.	- شما پس از برگشت از دبیرستان، اراده می‌کنید که ابتدا استراحت کنید و بعد برای انجام کنش، تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس.
۳- هدف‌دار بودن	فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.	- فردی از میان جمع برمی‌خیزد و با قصد و هدف خاصی (تغییر هوا) در و پنجره اتاق را باز می‌کند.
۴- معنادار بودن	با توجه به موارد فوق، کنش انسان، برخلاف فعالیت سایر مخلوقات، معنادار است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش، آن را انجام می‌دهند.	- دانش‌آموزی در کلاس، دست خود را بالا می‌آورد، معنای کار او اجازه‌خواستن از معلم است. معلم نیز چون معنای کنش او را درمی‌یابد، می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد.

حالا به یک مثال جالب در مورد معنادار بودن کنش دقت کنید:

بوق زدن راننده، یک کنش است که در موقعیت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد، مانند: سوار کردن مسافر / سلام کردن به یک دوست / خداحافظی از یک دوست دیگر! / اظهار شادی در عروسی / اعتراض به برخی رانندگان و ... می‌بینید: یک کنش و این همه معنی!

مفاهیم کلیدی

جامعه / فرهنگ / فرهنگ عمومی / خرده‌فرهنگ / خرده‌فرهنگ موافق / ضدفرهنگ / پیامدهای جامعه و فرهنگ / فرصت‌ها / محدودیت‌ها

جامعه و فرهنگ

جامعه و فرهنگ دو پدیده کلان هستند که توسط انسان‌ها پدید آمده‌اند. جامعه، به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند؛ مانند جامعه ایران.

فرهنگ، شیوه زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند؛ مانند فرهنگ ایرانی. مصادیق فرهنگ عبارتند از: نوع پوشش افراد جامعه، گویش‌ها، آداب و رسوم، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی و ...

جامعه و فرهنگ را می‌توان به یک موجود زنده تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد و فرهنگ همانند جان و روح آن است. جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد و فرهنگ، بدون جامعه پدید نمی‌آید.

جوامع مختلف، فرهنگ‌های متفاوت دارند؛ یعنی شیوه‌های متفاوتی برای زندگی با یکدیگر دارند؛ زیرا فرهنگ آگاهی مشترک مردم یک جامعه است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

تقسیمات فرهنگ

فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ

شیوه زندگی مردم در همه مناطق یکسان نمی‌باشد. ما ایرانی‌ها، خود را ایرانی می‌دانیم، از حقیقت دفاع می‌کنیم و ظلم و بی‌عدالتی را بد می‌شماریم و ... اما، همه با گویش و لهجه یکسانی سخن نمی‌گوییم. مردم در شهرهای مختلف ایران خصوصیات اخلاقی و رفتاری متفاوتی دارند.

آن بخش از فرهنگ که مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی نام دارد. بخش‌هایی از فرهنگ که مربوط به قوم، قشر، صنف و گروه خاصی است، خرده‌فرهنگ نامیده می‌شود.

انواع خرده فرهنگ‌ها

خرده‌فرهنگ‌ها، به دو دسته تقسیم می‌شوند. تعاریف و مثال‌های مربوط به هر یک را در جدول زیر مشاهده می‌کنید:

انواع خرده فرهنگ	تعریف	مثال
۱- خرده فرهنگ موافق	خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی	- اقوام مختلف - اصناف (پزشکان، خبرنگاران، ...)
۲- خرده فرهنگ مخالف (ضد فرهنگ)	خرده فرهنگ‌های مخالف و ناسازگار با فرهنگ عمومی	(قاچاقچیان، بزهکاران، اوباش و گدایان)

پیامدهای جامعه و فرهنگ (فرصت‌ها/محدودیت‌ها)

آیا جامعه و فرهنگ صرفاً تابع خواست و اراده افراد هستند؟ و یا این‌که خود، پیامدهایی دارند که بر کنش‌های ما تأثیر می‌گذارند؟

انسان‌ها با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تداوم آن‌ها مشارکت می‌کنند. چه کسانی در ساختن جامعه، نقش دارند؟ یکی از جامعه‌شناسان معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه بیشتر از ماست، هم‌چنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان بیشتر از آن‌هاست.

ما می‌دانیم؛ جامعه‌ای که در آن متولد شده‌ایم توسط گذشتگان پدید آمده است و باورها و ارزش‌ها و هنجارهای آن شکل گرفته‌اند. ولی، ما انسان‌ها کنشگر منفعل نیستیم. بنابراین می‌توانیم یا در جهت تداوم و پیشرفت جامعه حرکت کنیم و یا آن را تغییر دهیم.

نکته ۲: کنش‌هایی که در حضور دیگران، ولی بدون توجه به آن‌ها اتفاق می‌افتد، کنش اجتماعی محسوب نمی‌شوند. (رفتار فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی‌توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی نیست.) اگر در عبارات فوق دقت کرده باشید، متوجه می‌شوید «دیگران» در کنش اجتماعی نقش اساسی دارند. حالا این «دیگران» چه کسانی هستند؟

منظور از دیگران، یعنی کسانی که کنشگران، با توجه به آن‌ها دست به کنش می‌زنند. مانند: غریبه / آشنا / دوست / دشمن / گذشتگان / معاصرین / آیندگان / مؤمن / کافر / ... کنش ما در مقابل آن‌ها یکسان نیست و در برابر هر گروه، با آداب خاصی رفتار می‌کنیم.

پدیده‌های اجتماعی

به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی، خردترین پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی آثار و پیامدهای آن می‌باشند.

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و ... نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند. اگر این پدیده‌ها وجود نداشته باشند، ما نمی‌توانیم با هم زندگی کنیم.

شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی در ارتباط با یکدیگر شکل می‌گیرند. نمونه‌ای از این ارتباط، در مثال زیر بیان شده است:

فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در مکانی مطالعه می‌کند. (کنش انسانی) حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. او برای رعایت حقوق دیگری (ارزش) باید آرام مطالعه کند. (هنجار)

با توجه به این مثال، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟ هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش همگان بوده و افراد یک جامعه، نسبت به آن‌ها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بعد از این‌که از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق پیدا کردند، پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ضروری می‌سازند تا از طریق تعلیم و تربیت و تشویق و تنبیه، ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. افراد نیز با انجام کنش‌ها براساس ارزش‌ها و هنجارها، به آن‌ها تداوم می‌بخشند.

معنادار بودن پدیده‌های اجتماعی

پدیده‌های اجتماعی را، انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آن‌جا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.

برای فهم معنادار بودن پدیده‌های اجتماعی در مقایسه با پدیده‌های طبیعی، به مثال زیر توجه کنید:

کوه یک پدیده طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌های اجتماعی است. با مقایسه آن‌ها، می‌توان به نقش اراده و آگاهی در به وجود آوردن پدیده‌های اجتماعی (ساختمان اداری) و در نتیجه معنادار بودن آن پی برد. حال آن‌که پدیده‌های محسوس و طبیعی (کوه) با اراده و آگاهی انسان‌ها ایجاد نمی‌شود و معنادار نمی‌باشد.

درس ۳: جامعه و فرهنگ



آرمانی یا واقعی بودن یک پدیده براساس نوع نگاه و رفتار افراد و جوامع تعیین می‌شود. پدیده‌ای در یک جامعه، درون فرهنگ آرمانی و در جامعه دیگر درون فرهنگ واقعی قرار می‌گیرد. امنیت برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای درون فرهنگ آرمانی و برای یک کشور بسامان درون فرهنگ واقعی است.

در یک جامعه نیز، پدیده‌ای صرفاً در برهه‌ای از زمان آرمان است و زمانی دیگر و بعد از تحقق آن، به واقعیت تبدیل می‌شود.

فرهنگ حق و فرهنگ باطل

واقعیت‌های هر جامعه را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آن ارزیابی کرد، یعنی بررسی نمود که آیا مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌هایشان عمل می‌کنند یا نه؟ ولی آیا همه ارزش‌ها و آرمان‌ها درست‌اند و آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها نیز وجود دارد؟ بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، فرهنگ حق و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، فرهنگ باطل است. نمونه‌هایی از ارزش‌های حق و باطل، در جدول زیر مشاهده می‌شود:

ارزش‌های باطل	ارزش‌های حق
شرک	عقیده به توحید
ظلم	وفای به عهد
بی‌عدالتی	عدالت
تجاوز به حقوق دیگران	حمایت از مظلومان

شناسایی حق یا باطل بودن بخش‌های مختلف فرهنگ

حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. علوم تجربی می‌توانند دربارهٔ فنون و روش‌های اجرایی داوری کنند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوهٔ مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت. حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با علوم تجربی شناخت. عقل و وحی دو ابزار شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.

حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها و هنجارها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آن‌ها تعیین نمی‌شود.

نژادپرستی و شرک از عقاید و ارزش‌های باطل و توحید و عدالت، از عقاید و ارزش‌های حق‌اند و درستی آن‌ها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی‌کند.

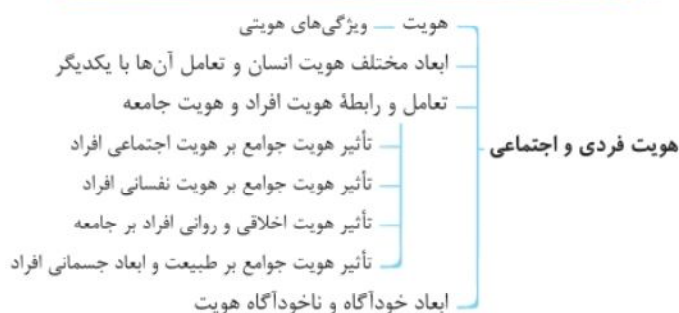
نحوهٔ ورود عقاید و ارزش‌های حق به فرهنگ آرمانی و واقعی

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی وارد می‌کنند و با عمل به حق، آن را به فرهنگ واقعی وارد می‌نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و براساس آن عمل نکنند، حق به فرهنگ آرمانی و واقعی آن‌ها راه پیدا نخواهد کرد؛ بنابراین هر چند حقایق ثابت‌اند، ولی از نظر وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی جوامع، تغییرپذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان پذیرش حق و باطل وجود دارد، اما حق و باطل براساس گزینش آن‌ها دچار تغییر نمی‌شوند.

نکته: فرهنگ حق، معیار ارزیابی همهٔ فرهنگ‌ها است.

درس ۵

هویت فردی و اجتماعی



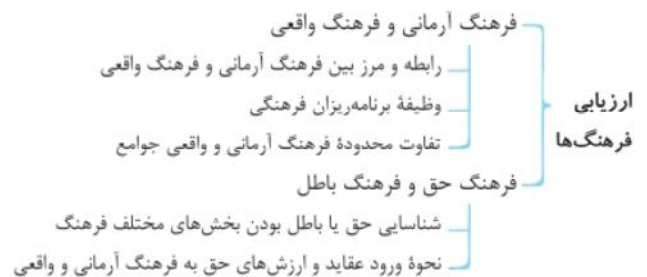
جامعه و فرهنگ با آگاهی و ارادهٔ انسان‌ها پدید می‌آیند و پس از آن که با کنش‌های انسان‌ها تحقق پیدا کردند، پیامدهایی را (به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها) به وجود می‌آورند. این فرصت‌ها و محدودیت‌ها، مانند دو روی یک سکه، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری تحقق نمی‌یابند.

تا زمانی که هر فرهنگ و جامعه‌ای، از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جامعه و فرهنگ، پیامدهای آن نیز تغییر می‌کند و جامعه و فرهنگ جدیدی را با پیامدهای جدید، به وجود می‌آورد.

جوامع و فرهنگ‌های مختلف، فرصت‌ها و محدودیت‌های متفاوتی را برای افراد جامعه فراهم می‌سازند.

برخی از آن‌ها نیازهای روحی و معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و برخی، نیازهای مادی و دنیوی را.

درس ۴: ارزیابی فرهنگ‌ها



مفاهیم کلیدی

فرهنگ آرمانی / فرهنگ واقعی / فرهنگ حق / فرهنگ باطل

فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی

همهٔ ما در یک جامعه که دارای فرهنگ است متولد شده‌ایم. با مقایسهٔ جامعهٔ خود با سایر جوامع، یا حتی جامعهٔ گذشتهٔ خودمان، پی می‌بریم که جامعه و فرهنگ تنها یک شکل ندارد و انسان‌ها، انواع جوامع و فرهنگ‌ها را پدید می‌آورند.

یک راه ارزیابی فرهنگ‌ها، بررسی آرمان‌ها و ارزش‌هایشان است.

مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند، وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. البته مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعهٔ خود عمل نمی‌کنند.

بخشی از فرهنگ که مردم یک جامعه از آن جانبداری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی» نامیده می‌شود. آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند «فرهنگ واقعی» نام دارد.

رابطه و مرز بین فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی

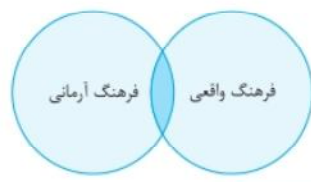
مرز و محدودهٔ فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در فرهنگ آرمانی رعایت آن‌ها لازم دانسته می‌شود، عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می‌گیرد.

وظیفهٔ برنامه‌ریزان فرهنگی

برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینهٔ تحقق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.

تفاوت محدودهٔ فرهنگ آرمانی و واقعی جوامع

محدودهٔ فرهنگ آرمانی و واقعی در هر جامعه‌ای دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعهٔ دیگر متفاوت است؛ زیرا:



مفاهیم کلیدی

هویت / ویژگی انتسابی / ویژگی اکتسابی / ویژگی ثابت / ویژگی متغیر / ویژگی فردی / ویژگی اجتماعی / ابعاد سه‌گانه هویت (نفسانی، جسمانی، اجتماعی) / هویت آگاهانه / هویت ناخودآگاه

هویت

افراد در موقعیت‌های گوناگون با پرسش «کیستی» مواجه می‌شوند. آن‌چه در پاسخ به پرسش «کیستی؟» گفته می‌شود و با آن، شخص از افراد دیگر متمایز می‌گردد، **هویت** فرد را تشکیل می‌دهد.

ویژگی‌های هویتی

ویژگی‌های هویتی را می‌توان به صورت‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

انتسابی / اکتسابی

انتسابی	ویژگی‌های هویتی که ما در شکل‌گیری آن‌ها نقشی نداریم. (مانند دختر یا پسر بودن.)
اکتسابی	ویژگی‌های هویتی که خودمان آن‌ها را شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آن‌ها سهم زیادی داریم. (مانند صفات اخلاقی)

ثابت / متغیر

ثابت	برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر نمی‌کنند؛ (مانند زمان و مکان تولد)
متغیر	برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ (مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دانایی، توانایی و دارایی اوست.)

فردی / اجتماعی

فردی	برخی ویژگی‌ها، فردی هستند. (مانند رنگی یا تنبلی، صبوری یا زودرنجی)
اجتماعی	ویژگی‌هایی که با عضویت در گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. (مانند عضویت در جامعه ایران و ایرانی بودن)

ابعاد مختلف هویت انسان و تعامل آن‌ها با یکدیگر

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین هویت انسان دارای سه بعد می‌باشد:

۱) جسمانی (بدن)

۲) نفسانی (ویژگی‌های اخلاقی و روانی)

۳) اجتماعی (نقش‌ها و عضویت فرد در جامعه).

سه بعد هویت ما، با هم تعامل یا ارتباط متقابل دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

● نمونه‌هایی از این اثرگذاری‌ها، در مثال‌های زیر مشاهده می‌شود:

ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان‌ها می‌شود.

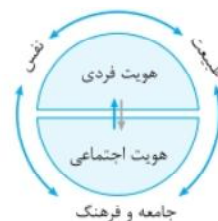
بعد جسمانی ← بعد نفسانی

برخی بیماری‌های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می‌شوند.

بعد نفسانی ← بعد جسمانی

یک انسان باتقوا، جهانی را تغییر می‌دهد.

بعد نفسانی ← بعد اجتماعی



تعامل و رابطه هویت افراد و هویت جامعه

تأثیر هویت جوامع بر هویت اجتماعی افراد

هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و براساس آن‌چه برای آن جامعه اهمیت دارد، شکل می‌گیرد.

در جامعهٔ قبیله‌ای: هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آن‌ها در قبیله مشخص می‌شود.

در جامعهٔ سرمایه‌داری: هویت افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است. در جامعهٔ دینی (مانند اسلام): هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش‌های اسلامی (تقوا، عدالت و علم) تعیین می‌شود.

تأثیر هویت جوامع بر هویت نفسانی افراد

هر جامعه و فرهنگی با توجه به عقاید و ارزش‌هایش، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینهٔ پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد.

جامعه و فرهنگ غرب با ویژگی‌های فردگرایی، انضباط، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و مال‌اندوزی سازگار است و با ویژگی‌های قناعت، بندگی خدا، تقوا و توکل سازگار نیست.

تأثیر هویت اخلاقی و روانی افراد بر جامعه

هویت اخلاقی و روانی افراد نیز بر جامعه اثرگذار است.

یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می‌دهد. (امام خمینی علیه السلام)

تأثیر هویت جوامع بر طبیعت و ابعاد جسمانی افراد

نگاه جوامع و فرهنگ‌های مختلف به بعد جسمانی و بدن انسان نیز با یکدیگر تفاوت دارد. فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی و زیبایی بدنی تأکید می‌کند و هر نوع تصرف در طبیعت و بدن را مجاز می‌داند. برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بعد جسمانی هویت حکایت دارد.

در فرهنگ اسلامی، انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف ارادهٔ حکیمانهٔ الهی است در طبیعت و بدن خود انجام دهد.

ابعاد خودآگاه و ناخودآگاه هویت

بخشی از هویت ما، آگاهانه است؛ یعنی آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند.

بخش دیگر (هویت ناخودآگاه)، برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. برای شناخت بیشتر خود، از والدین و دوستان / راهنمایی مشاوران، روان‌شناسان / فیلسوفان و ... کمک می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان دربارهٔ ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند.

پیامبران و اولیای الهی نیز، دربارهٔ بعد الهی هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها سخن گفته‌اند. ما، گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می‌شویم. وجود نظرات متفاوت دربارهٔ هویت، نشانهٔ این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

درس ۶

بازتولید هویت اجتماعی



مفاهیم کلیدی

جامعه‌پذیری / کجروی اجتماعی / تبلیغ و اقناع / تشویق و پاداش / تنبیه و مجازات / کنترل اجتماعی / امر به معروف / نهی از منکر / تحرك اجتماعی / انواع تحرك اجتماعی (صعودی، نزولی، افقی) / فرصت‌های تحرك اجتماعی / تحرك اجتماعی درون‌نسلی / تحرك اجتماعی میان‌نسلی

تداوم هویت اجتماعی

جامعه‌پذیری

هر فرد در یک جامعه متولد می‌شود که به وسیلهٔ نسل‌های قبل از او ساخته شده است. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد. هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم

مثال: اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد و شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر انتقال پیدا می‌کند.

تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل، یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش و گاه در دو نسل، یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می‌افتد.

با این‌که در همه کشورهای رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد، ولی این رتبه‌بندی در همه کشورهای یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. علاوه بر این، موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آن‌ها نیست، بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد.

فرصت‌های تحرک اجتماعی در جوامع مختلف

فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود برخی تحرک‌های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند.

در جدول زیر، فرصت‌ها و محدودیت‌های افراد برای تحرک صعودی را در انواع جوامع مشاهده می‌کنید.

انواع جوامع	فرصت‌ها و محدودیت‌های افراد برای تحرک صعودی
جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد. (آپارتاید)	برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی فراهم است.
جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت می‌دهد.	تحرک اجتماعی صعودی، برای کسانی که ثروت دارند.
جامعه غیردینی	به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز نمی‌دهد. مانند جلوگیری از تحصیل دختران باحجاب در برخی کشورهای غربی.
جامعه دینی و معنوی	هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

خود، عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید، ارزش‌ها و هنجارها را فرا می‌گیرد و با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، «جامعه‌پذیری» می‌گویند.

خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل جامعه‌پذیری و آشنایی افراد با جامعه هستند.

کجروی اجتماعی

گاهی فرایند جامعه‌پذیری با موفقیت همراه نیست. برخی افراد، از پذیرش عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سر باز می‌زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و نقشی را که جامعه از آن‌ها انتظار دارد، نمی‌پذیرند.

به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، کجروی اجتماعی می‌گویند.

هر جامعه‌ای برای کنترل اجتماعی و پیشگیری از کجروی‌های اجتماعی، از روش‌های زیر استفاده می‌کند:

1) **تبلیغ و اقناع:** جامعه می‌کوشد تا از طریق آموزش افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند.

2) **تشویق و پاداش:** به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد.

3) **تنبیه و مجازات:** کسانی را که دچار کجروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

مفهوم کنترل اجتماعی

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

جامعه‌ای که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، 1) بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرد و 2) بازتولیدش با مشکل مواجه می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

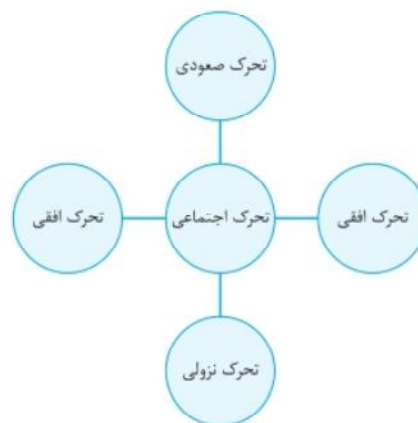
تغییر هویت اجتماعی

تحرک اجتماعی

موقعیت اجتماعی یک فرد (یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی) ممکن است در طول زندگی او تغییر کند که در این صورت، فرد تحرک اجتماعی خواهد داشت. به جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی، به موقعیت اجتماعی دیگر، تحرک اجتماعی می‌گویند.

انواع تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی انواعی دارد که عبارت‌اند از: صعودی، نزولی و افقی.



مثال: کارمند یک اداره هنگامی که مدیر بخشی از اداره می‌شود و یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است.

مثال: مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می‌شود و به صورت کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد.

درس ۷ تحولات هویتی جامعه

هویت اجتماعی افراد / هویت فرهنگی جامعه

شکل‌گیری هویت فرهنگی جامعه

رابطه هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جامعه

دوام و بازتولید هویت فرهنگی جامعه

تحولات هویتی جامعه

فرایند تحولات هویتی جامعه

انواع تغییرات هویتی

انواع تحولات فرهنگی

علل تحولات فرهنگی

انواع ارتباطات فرهنگی جوامع با یکدیگر

خودباختگی فرهنگی

از خودبیگانگی فرهنگی و انواع آن

دیدگاه قرآن درباره از خودبیگانگی فرهنگی

مفاهیم کلیدی

هویت اجتماعی افراد / هویت فرهنگی جامعه / بازتولید هویت فرهنگی جامعه /

تحولات هویتی / تحولات فرهنگی / تحول فرهنگی مثبت / تحول فرهنگی منفی /

علل درونی تحولات فرهنگی / علل بیرونی تحولات فرهنگی / ارتباطات فرهنگی /

خودباختگی فرهنگی / جامعه خودباخته / غربزدگی / از خودبیگانگی /

از خودبیگانگی فرهنگی / از خودبیگانگی تاریخی / از خودبیگانگی فطری (حقیقی)

هویت اجتماعی افراد/هویت فرهنگی جامعه

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آن‌ها است؛ مانند این که شهری، روستایی و عشایری بودن ما نتیجه عضویت در یک شهر، روستا یا ایل است. هر جامعه‌ای هم هویت خاصی دارد که از آن به **هویت فرهنگی** آن جامعه یاد می‌شود.

شکل‌گیری هویت فرهنگی جامعه

هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد؛ یعنی هرگاه افراد جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می‌آید.

رابطه هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جامعه

هویت فرهنگی جامعه گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است و هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد. هویت اجتماعی افراد > هویت فرهنگی جامعه

دوام و بازتولید هویت فرهنگی جامعه

هویت فرهنگی جامعه تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن، مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آن‌ها مهم باشد ← تداوم می‌یابد و بازتولید می‌شود. هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند ← دوام هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

فرایند تحولات هویتی جامعه

انواع تغییرات هویتی

افراد می‌توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند. این تغییرات می‌تواند به صورت‌های زیر باشد:

تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد. برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود.

گاهی تغییرات هویتی افراد، شیوه‌هایی از زندگی را به دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود در زندگی مردم را از دست می‌دهند؛ در نتیجه تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هایش دفاع کند و آن‌ها را حفظ نماید. در این صورت راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌شود.



انواع تحولات فرهنگی

تحولات فرهنگی می‌توانند مثبت یا منفی باشند. ویژگی‌های مربوط به هر یک در جدول زیر آمده است:

انواع تحولات فرهنگی	ویژگی‌ها	مثال
مثبت+	۱- اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد. ۲- جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است.	تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی
منفی-	۱- اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد. ۲- جهت تغییرات به سوی باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است.	تحول جامعه نبوی به جامعه اموی

علل تحولات فرهنگی

۱- یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می‌شود.	علل درونی
۲- یا به کاستی‌ها و بین بست‌های موجود در فرهنگ جامعه باز می‌گردد.	
علت بیرونی تحولات فرهنگی، روبه‌رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است.	علل بیرونی

انواع ارتباطات فرهنگی جوامع با یکدیگر

ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است و می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد.

گاهی روابط در محدوده **نمادها، هنجارها و سبک‌های زندگی** است. گاهی در سطح **عقاید و ارزش‌های اجتماعی** است. ارتباط میان جوامع، گاه زمینه گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می‌آورد و گاه به **تحولات فرهنگی** منجر می‌شود. نمونه‌هایی از این تحولات فرهنگی عبارت‌اند از:

۱) اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدوده هنجارها و سبک‌های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد، زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

مثال: به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آن‌ها (فلسفه، طب، نجوم و ریاضیات) را اخذ کردند، اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفتند.

۲) اگر جامعه‌ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار **تحول فرهنگی** می‌شود.

مثال: مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی تبدیل شدند.

۳) ممکن است یک جامعه در ارتباط با جامعه دیگر، از بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه تأثیر بپذیرد سپس از عقاید و ارزش‌های خود دست بردارد، گرفتار تحول فرهنگی شود و هویت جدیدی به دست آورد، بدون این که عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود.

مثال: جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی در جریان جنگ‌های صلیبی، بدون این که به جامعه و فرهنگ اسلامی بپیوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطی، به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند. (منظور از فرهنگ سکولار، فرهنگ دنیوی و این جهانی است.)

خودباختگی فرهنگی

در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور **فعال و خلاق** و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبه‌رو شوند. اما اگر اعضای یک جامعه، مبهوت و مقهور جامعه دیگر شوند، حالت **فعال و خلاق** خود را در گزینش عناصر فرهنگی جامعه دیگر از دست بدهند، دچار «خودباختگی فرهنگی» می‌شود.

از ویژگی‌های **جامعه خودباخته**، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) جامعه خودباخته، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد.

۲) به روش تقلیدی عمل می‌کند.

۳) ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد.

۴) نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم یا گسترش دهد و نه می‌تواند به جامعه دیگری که شیفته و مبهوت آن شده، ملحق شود. به عبارت دیگر، از این جا ... رانده و از آن جا ... مانده ... بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «غرب‌زدگی» می‌نامند.

موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. آن‌ها معارف و هنرهای تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی زبان به آنها، نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

واکنش جوامع اسلامی در برابر هجوم اقوام مختلف

جوامع اسلامی، از جمله ایران، با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند. مسلمانان، در جنگ‌های صلیبی ← به دفع مهاجمان پرداختند و در حمله مغول ← مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند.

بر خورد جوامع غربی در برابر جوامع اسلامی

قدرت سیاسی و نظامی غرب، با ایجاد خودباختگی فرهنگی در بین مسلمانان تصویری را که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت کشورهای اسلامی القامی کردند، در بین جوامع اسلامی (از جمله در ایران) رواج دادند.

مستشرقان، با نادیده گرفتن فرهنگ اصیل اسلامی، به عنوان عنصر هویت‌بخش جوامع اسلامی، هویت فرهنگی این جوامع را به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود ساختند و امت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم کردند.

واکنش متفکران ایرانی در نقد روکرد تقلیدی به فرهنگ غرب

متفکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد روکرد تقلیدی به فرهنگ غرب، کتاب‌ها و آثاری را پدید آوردند که عبارت‌اند از:

نام کتاب	نویسندگان
غرب‌زدگی	جلال آل احمد
بازگشت به خویش	دکتر شریعتی
خدمات متقابل اسلام و ایران / فطرت	استاد مطهری

تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت ایرانی

انقلاب‌ها، از مهم‌ترین تحولات جوامع هستند و دارای پیامدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و یا پیامدهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... می‌باشند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است.

انقلاب اسلامی ایران، نه تنها تأثیراتی بر هویت ایران و ایرانی گذاشته، بلکه دارای تأثیرات هویتی بر سایر جوامع (اسلامی / غربی) نیز بوده است.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود، بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود.

جامعه ایران به رهبری امام خمینی (ره) و با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل بیت به هویت اسلامی خود بازگشت و از مرزهای جامعه ایمانی خود، به مدت هشت سال دفاع کرد.

تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر جوامع (جوامع اسلامی / جوامع غربی)

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد. جوامع اسلامی با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویر فرهنگ غربی، جست‌وجو می‌کند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می‌گردد.

انقلاب اسلامی ایران، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب گشود و نظریه‌پردازان غربی، که طی قرن بیستم، غربی‌شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.

درس ۹ بعد سیاسی هویت ایرانی



از خود بیگانگی فرهنگی و انواع آن

در زبان فارسی بیگانه در مقابل خودی به کار می‌رود. در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت از خودبیگانگی می‌گویند. جوامع ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن، از خودبیگانگی فرهنگی گفته می‌شود. از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد که در جدول زیر، به آن اشاره شده است:

۱- از خودبیگانگی تاریخی	وقتی یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می‌شود. مانند جامعه خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد.
۲- از خودبیگانگی حقیقی (فطری)	زمانی که عقاید و ارزش‌های یک جامعه، مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود. در فرهنگی که از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نباشد، انسان‌ها از حقیقت خود و حقیقت هستی دور می‌مانند.

دیدگاه قرآن درباره از خودبیگانگی فرهنگی

از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که با نگاه توحیدی به انسان و جهان بنگرد. فراموش کردن خداوند، سبب می‌شود که انسان خود را فراموش کند. براساس این نگاه، تنها جامعه‌ای که از فرهنگ حق برخوردار است، انسان را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. جوامعی که از فرهنگ باطل برخوردارند، آدمی را از حقیقت جهان و خود بیگانه می‌کنند.

درس ۸ بعد فرهنگی هویت ایرانی



مفاهیم کلیدی

اساطیر / هویت ایرانی / انقلاب اسلامی

تحولات هویت ایرانی در گذر زمان

هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. (فرهنگ اساطیری به خداوند گاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است.)

پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با هویت‌های اجتماعی متفاوت، در عقاید و ارزش‌های آیین زرتشت که با آموزه‌های اساطیری در آمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

تأثیر اسلام بر هویت ایرانی

اقوام ایرانی، پس از آشنایی با اسلام، عناصر اساطیری هویت خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند و جامعه‌ای اسلامی ساختند. جامعه ایران با پذیرش عقاید اسلامی، به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی، بخشی از هویت جهان اسلام شد.

زبان فارسی دری، به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، به عنوان زبان دوم جهان اسلام، مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را در نوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت، تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت.

حکیمان و شاعران ایرانی (مولوی، سعدی، حافظ و ...) خدمات بی‌نظیری انجام دادند که

مفاهیم کلیدی

قدرت / قدرت فردی / قدرت اجتماعی / جلب تبعیت / تبعیت با رضایت / تبعیت با کراهت / مقبولیت / مشروعیت / مدار مقبولیت / مدار مشروعیت / سیاست / نظام سیاسی / ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی / جمهوری / دموکراسی / مدینه فاضله / جوامع جاهله / لیبرالیسم / دموکراسی / لیبرال دموکراسی / پارادوکس دموکراسی / جمهوری اسلامی

مفاهیم سیاسی

جامعه علاوه بر هویت فرهنگی، از هویت سیاسی نیز برخوردار است و در معرفی یک جامعه، به ویژگی‌های سیاسی آن نیز اشاره می‌شود. نوع نظام سیاسی یکی از این ویژگی‌ها است. جوامع با پذیرش نظام‌های سیاسی متفاوت، هویت‌های سیاسی متنوعی پیدا می‌کنند. ابعاد مختلف هویت یک جامعه از یکدیگر جدا نیستند؛ بنابراین هویت سیاسی هر جامعه، با هویت فرهنگی آن تناسب دارد.

به منظور شناخت انواع نظام‌های سیاسی و درک رابطه و نسبت هویت سیاسی و هویت فرهنگی یک جامعه، لازم است با مفاهیم سیاسی زیر آشنا شوید:

قدرت و قدرت اجتماعی: انسان به دلیل این‌که کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، دارای قدرت است و کنشگری قدرتمند است و دو نوع قدرت دارد: **قدرت فردی** و **قدرت اجتماعی**. قدرت فردی انسان محدود است و برای رفع برخی نیازهایش به کمک دیگران احتیاج دارد.

هنگامی که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد، **قدرت اجتماعی** پدید می‌آید. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

مقبولیت: قدرت اجتماعی، بدون توافق و پذیرش دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آن‌ها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاشتن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن ایشان، **جلب تبعیت** آن‌ها است. تبعیت دو شکل دارد:

۱) **تبعیت با کراهت:** تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد.

۲) **تبعیت با رضایت:** تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، دارای **مقبولیت** است. **مدار مقبولیت**، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود.

مشروعیت: قدرتی که براساس شریعت و موافق حکم خداوند است، مشروعیت دارد. **مدار مشروعیت**، حق و باطل بودن است.

قدرت اگر مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت.

هنگامی که قدرت برخلاف قانون الهی باشد اما تبعیت از آن با رضایت صورت گیرد؛ مقبول ولی غیرمشروع است. (در جامعه دینی، قدرت غیرمشروع نمی‌تواند مقبولیت لازم را به دست آورد.)

سیاست: هر گاه قدرت اجتماعی برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، سیاست پدید می‌آید. سیاست اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدف است.

نظام سیاسی: مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

انواع هویت سیاسی

(ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی)

هویت سیاسی جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت است، زیرا جوامع مختلف، نظام‌های سیاسی یکسانی ندارند.

نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون دسته‌بندی کرد:

الف) **براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده:** با این ملاک نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) نظام‌هایی که در آن‌ها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد.

۲) نظام‌هایی که در آن‌ها اقلیتی تصمیم‌گیرنده است.

۳) نظام‌هایی که در آن‌ها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند.

ب) **براساس روش تصمیم‌گیری:** با این ملاک نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱) نظام‌هایی که در آن‌ها حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند.

۲) نظام‌هایی که در آن‌ها حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از نظر ارسطو

ارسطو از دو ملاک فوق برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده کرده و از ۶ نوع نظام سیاسی نام برده است. در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از نظر ارسطو

روش حکومت	براساس حقیقت و فضیلت	براساس خواست و میل تعداد حاکمان
فرد	موناشری	استبدادی حاکم
اقلیت	آریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت	جمهوری	دموکراسی

● موناشری مانند حکومت پاپ بر واتیکان و کلیسای جهانی کاتولیک.

● آریستوکراسی، حکومت نخبگانی است که از امتیازات طبقاتی برخوردار بوده‌اند.

● الیگارشی، حکومت اقلیتی از سرمایه‌داران است که قدرت را در جهت منافع خود به کار می‌گیرند و در برابر اکثریت مردم مسئول نیستند.

ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از نظر فارابی

فارابی، (علاوه بر دو ملاک فوق)، ملاک دین‌مداری یا دینامداری نظام سیاسی را نیز در نظر می‌گیرد. به نظر او، نظام سیاسی دینی و دین‌مدار براساس قوانین الهی سازمان می‌یابد و نظام سیاسی دنیوی و دینامدار فقط به ارزش‌های دنیوی توجه می‌کند.

به نظر فارابی، **مدینه فاضله**، جامعه‌ای است که براساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. سایر جوامع، جوامع جاهله هستند که آرمان‌ها و ارزش‌های آن‌ها، الهی و عقلانی نیست.

لیبرال دموکراسی / جمهوری اسلامی

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته‌شده در دنیای امروز هستند. ویژگی‌های اصلی این دو نظام در ادامه آمده است:

ویژگی‌ها	نظام سیاسی
- لیبرالیسم: به معنای مباح‌دانستن همه امور برای انسان‌ها است.	لیبرال دموکراسی
- دموکراسی: به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است.	
- لیبرال دموکراسی، نوعی نظام سیاسی است که با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد، هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی‌شناسد.	
- حکومتی دینامدار است. این نظام سیاسی فقط مقبولیت دارد و نمی‌توان از مشروعیت آن سخن گفت.	
- این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد و آزادی را مهم‌ترین ارزش اجتماعی می‌داند، سازگار است.	
- ثبات، توسعه، رفاه، سلطه بر طبیعت و جهان از ارزش‌های این نظام سیاسی هستند.	

مفاهیم کلیدی

ویژگی‌های جمعیتی / ویژگی‌های اقتصادی / گسترش جامعه و فرهنگ / سالمندی جمعیت / سیاست‌های جمعیتی / هویت اقتصادی (ایران) / اقتصاد نفتی / اقتصاد تک‌محصولی / هویت اقتصادی جوامع غربی / اقتصاد سرمایه‌داری / اقتصاد مقاومتی

ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی

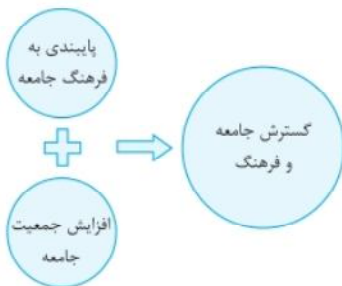
در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی آن‌ها اشاره می‌شود، زیرا جوامع، هویت جمعیتی و اقتصادی دارند. جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن جامعه محسوب می‌شود. اندازه جمعیت، جوان یا پیر بودن، روستایی یا شهری بودن، بیکار یا شاغل بودن، از ویژگی‌های جمعیتی یک جامعه است. جوامع مختلف هویت اقتصادی گوناگون دارند. دولتی یا غیردولتی بودن، تک‌محصولی بودن یا نبودن، سرمایه‌داری، سوسیالیستی یا اسلامی بودن اقتصاد، از ویژگی‌های اقتصادی یک جامعه است.

رابطه جمعیت با هویت جامعه

رابطه جمعیت و گسترش فرهنگ

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می‌شود و بسیاری از فعالیت‌ها (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) بر زمین می‌ماند.

گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن و پذیرفتن و عمل کردن به آن است. اعضای جامعه، حاملان و عاملان فرهنگ هستند و هر چه بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می‌یابد. کاهش جمعیت یک جامعه نیز به محدود شدن گستره فرهنگ آن منجر می‌شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر آن جامعه را فراهم می‌آورد.



اگر فرهنگ جامعه‌ای که قرار است با افزایش جمعیت، بسط یابد: ۱) فرهنگ حق باشد. ۲) اعضای این جامعه حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت مطلوب است. مثال، گسترش فرهنگ اسلامی، مطلوب است.

کاهش رشد جمعیت و پیامدهای آن

تأمین جمعیت جامعه، از کارکردهای اجتماعی مهم خانواده است. امروزه برخی جوامع به دلایلی مانند بالارفتن سن ازدواج، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، مصرف‌گرایی و هزینه‌پنداشتن فرزندان، با کاهش رشد جمعیت یا پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند. پیش از این، کاهش رشد جمعیت از مشکلات جوامع غربی بود. آن‌ها برای افزایش جمعیت خود، به سیاست‌های تشویقی رو آوردند و پذیرش مهاجران را در دستور کار خود قرار دادند. امروزه جامعه ما هم با مسئله کاهش رشد جمعیت روبه‌رو شده است.

سیاست‌های جمعیتی

وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی مردم راهکارهایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، ایران، در دو برهه زمانی سیاست کاهش جمعیت را اجرا کرد:

۱) از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی

۲) از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ ه. ش

کاهش بیش از حد رشد جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت و در سال ۱۳۹۳ ه. ش، اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب شد که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان، فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب ایشان توجه شده است.

ویژگی‌ها	نظام سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> - نظام سیاسی که در برخی جوامع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. - عنوان جمهوری به این معنا است که مردم جامعه، خود سرنوشت سیاسی‌شان را تعیین می‌کنند. - کلمه اسلامی نشان‌دهنده این است که این نظام سیاسی براساس عقاید اسلامی شکل می‌گیرد. - در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست اکثریت مردم وضع نمی‌شوند، بلکه براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می‌گردند. - عدالت، استقلال، آزادی، امنیت و مشارکت در امور عمومی از ارزش‌های این نظام سیاسی هستند. 	جمهوری اسلامی

در ادامه، به برخی از دیگر تفاوت‌های این دو نظام سیاسی اشاره می‌شود:

- آرمان‌ها و ارزش‌هایی که لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دنبال می‌کنند، یکسان نیستند، حتی در مواردی که یک ارزش برای هر دو نظام دارای اهمیت است؛ (مانند تفاوت مفهوم آزادی در این دو نظام)

- در نگاه اسلامی، ارزش‌ها اهمیت الهی و دینی دارند و دستیابی به آن‌ها، هم منجر به بهبود زندگی اجتماعی و هم موجب تقرب انسان به خداوند می‌گردد.

- عبادات، هنگامی که بعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند. - در آموزه‌های اسلامی، از مسئولیت متقابل نظام سیاسی و مردم، سخن گفته شده است. امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی، براساس موازین اسلامی هوشمند و فعال باشد و نظام سیاسی نیز باید متناسب با ارزش‌ها عمل کند و مردم را در تحقق این اهداف یاری نماید.

پارادوکس دموکراسی

لیبرال دموکراسی حکومت اکثریت مردم براساس خواسته‌هایشان است. لیبرال دموکراسی برای نارضایتی مردم از این نظام و اعتراضاتی که درون آن شکل می‌گیرد، پاسخی ندارد. (مثلاً چرا برخی مردم، حقیقت و عدالت را از آزادی مهم‌تر می‌دانند). دانشمندان علوم سیاسی از این تناقض، یعنی نارضایتی مردم از نظام‌های سیاسی لیبرال دموکراسی با عنوان پارادوکس دموکراسی یاد کرده‌اند.

● **ابخوانیم و بدانیم** (ص ۶۸) به دلیل نبودن موضوع، ذکر گردید و در طراحی سؤال امتحانی پایه دوازدهم، مورد توجه نمی‌باشد.

جامعه‌شناسی، سلطه‌ای را که با استفاده از ابزارهای فرهنگی اعمال شود، **هژمونی** می‌نامد. در سلطه هژمونیک از روش‌ها و ابزارهایی مانند هنر، رسانه و علم، برای غلبه بر سایر جوامع استفاده می‌شود.

درس ۱۰ ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران



رابطه اقتصاد با هویت جامعه

ویژگی‌ها و هویت اقتصادی ایران

اقتصاد امروز ما نتیجه رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ما است. این اقتصاد از سویی دستاوردهای چشمگیری داشته است؛ مانند گسترش بهره‌مندی مردم از آب و برق و گاز و ارتباطات، ایجاد سدها و نیروگاه‌ها، ارتقاء شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ، مقابله با تحریم‌ها، گسترش روحیه انفاق و توجه به مستضعفان، و از سوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی دست به گریبان بوده است.

کشف نفت و کسب درآمد از آن، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هویت اقتصادی جامعه ما بوده است. اگرچه سرمایه نفتی به افزایش دارایی جامعه می‌انجامد اگر به درستی از آن استفاده نشود، اقتصادی وابسته ایجاد می‌کند.

اقتصاد نفتی و پیامدهای آن

۱) اقتصاد نفتی، اقتصادی تک‌محصولی است و به دلیل آن که درآمدی هنگفت و بدون زحمت نصیب جامعه می‌کند، انگیزه فعالیت‌های تولیدی را کاهش می‌دهد.

۲) دولت بزرگی به وجود می‌آورد که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار یا اخذ مالیات، هزینه‌های کشور را تأمین کند و برای مردم رفاه اجتماعی به ارمغان بیاورد، اما این رفاه پایدار نیست.

۳) اقتصاد تک‌محصولی، وضعیتی ناپایدار به وجود می‌آورد که زمینه سوء استفاده قدرت‌های جهانی را فراهم می‌کند و از این ضعف اقتصادی به عنوان ابزار فشار آوردن به جامعه استفاده می‌کنند.

هویت اقتصادی جوامع غربی

هویت جوامع غربی، براساس اقتصاد سرمایه‌داری شکل گرفته است. استعمار و تحریم اقتصادی از اقدامات جوامع غربی برای پیشرفت اقتصادی خود و نابودی اقتصاد دیگر جوامع بوده است. کشورهای غربی، اقتصاد نفتی را پاشنه آشیل (نقطه ضعف) ایران اسلامی تشخیص داده و جنگ اقتصادی تمام عیاری علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

اقتصاد مقاومتی

ایران اسلامی قصد دارد هویت اقتصادی خود را از طریق اقتصاد مقاومتی بازسازی کند. اقتصاد مقاومتی؛ اقتصادی پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات‌بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، هویت اقتصادی نوینی برای ایران می‌سازد تا بتواند مسیر پیشرفت را بدون تأثیرپذیری از موانع بین‌المللی و داخلی طی کند.

اقتصاد مقاومتی، بر استقلال، خودکفایی، روحیه جهادی، خلاقیت، خطرپذیری، امید، همبستگی و درون‌زایی در عین برون‌گرایی^۱ تأکید دارد. خام‌فروشی ثروت‌های طبیعی را منع می‌کند و با حضور فعال در جهان، برای مردم ایران پیشرفت همراه با عدالت را به ارمغان می‌آورد.

[@konkor_book_pdf](https://www.konkor.com)

۱- (مفهوم درون‌زایی در عین برون‌گرایی: اقتصادی که مانند چشمه از درون می‌جوشد و بر تولید داخلی خود متکی است ولی صرفاً برای خود تولید نمی‌کند، بلکه تولیدات خود را به صورتی متعادل با سایر کشورها مبادله می‌کند.)